



طنین جنسیت زدوده؛ نکاتی در شعر طاهره صفارزاده

پدیدآورنده (ها) : کریمی، ابوذر

علوم اجتماعی :: نشریه سوره اندیشه :: دی و بهمن ۱۳۹۱ - شماره ۶۶ و ۶۷

صفحات : از ۱۹۹ تا ۲۰۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1023315>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی زبان شعر طاهره صفارزاده در دوره دوم شاعری (اشعار دفترهای طنین در دلتا، سد و بازوان، سفر پنجم)
- رهیافت‌هایی به مفهوم و خاستگاه «طنین» در شعر و اندیشه‌ی طاهره صفارزاده
- در هوای شعر طاهره صفارزاده: همچون دست الفاظ، به سوی نیروانا
- مؤلفه‌های پایداری در شعر طاهره صفارزاده و سپیده کاشانی
- معنا در تعامل متن و تصویر؛ مطالعه نشانه - معناشناختی دو شعر دیداری از طاهره صفارزاده
- با در انداختن طنین غم در دل فرهیختگان دکتر طاهره صفارزاده راه روشنگری را به آخر رساند
- بنمایه‌های همگون پایداری در شعر «صالح محمود هواری» و «طاهره صفارزاده»
- تحلیلی بر فضاهای رماتیستی در شعر طاهره صفارزاده
- ابعاد اسلامگرایی در شعر طاهره صفارزاده
- تحلیل و بررسی گونه‌های تکرار در شعر طاهره صفارزاده با تأکید بر کتاب «بیعت با بیداری»



طنین جنسیت زدوده

نکاتی در شعر طاهره صفارزاده

ابوذر کریمی / منتقد ادبی

چنانچه سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد و طاهره صفارزاده را سه تن زنان شاعر پیشرو معاصر بشناسیم چنانکه در این باره تقریباً مناقشهای نیست طاهره صفارزاده آن شاعری است که بیش از دیگران، شعر اجتماعی را در میان این سه تن نمایندگی می‌کند. فرخزاد در دوره‌ی نخست شاعری‌اش شاعر زنانه‌ها و تنانه‌ها است و در دوره‌ی دوم در زیر چتر مالی ابراهیم گلستان شاعر بیانگر و جوه‌گزیستانس زن معاصر است که می‌توان آن را دوران سوژکتیویته‌ی ناب در شعر او دانست. هرچند دو دوره‌ی شعر فرخزاد، تمایزهای جدی نشان می‌دهند اما وجه مشترک هر دو دوره حضور یک سوژه‌ی متعین فردیت‌یافته است. سیمین بهبهانی با احتیاطی تدبیرمندانه مدرن بودن را وارد قالب‌های کلاسیک می‌کند و در اینکار شیوه‌ی خود را آهسته و پیوسته در پیش می‌گیرد و هر قدر از آغاز کار خود پیش آمده‌است رنگ‌وبوی اجتماعی اثرش بیش تر نمودار شده‌است. صفارزاده اما رویه‌ای متمایز را

در پیش گرفت. شعر او اساساً از ابتدا نماینده‌ی سوژه‌های جمعی و جهان‌سومی-مستعمراتی بود و گذشته از این صفارزاده را می‌بایست پیش‌تاز جنسیت‌زدایی از شعر زنانه دانست. صفارزاده همواره در درون پارادایم استعماری فرهنگ حضور و معنا می‌یابد و هویت‌گرایی او برخلاف هویت‌گرایی بسیاری از شاعران پیش از او هویت‌گرایی ملی‌گرایانه نیست و این ویژگی هراندازه که در کارنامه‌ی شعر او پیش می‌آییم نمودارتر می‌شود. در مقام مقایسه، آل‌احمد تا حدی این امت‌گرایی را در مقام یک دل‌مشغولی و علقه‌ی شخصی و غیرتئوریک در خسی در می‌یافت بیان کرده‌است؛ همچنین شریعتی اساساً یکی از مفاهیم محوری‌اش را وحدت اسلامی شکل می‌دهد و به‌همین جهت شریعتی و آل‌احمد هر دو علاوه بر این که در فصل مشترک میان سوسیالیسم و اسلام ایستاده‌اند هرگز نمی‌توانند علقه‌ی ملی‌گرایانه را به‌تمامی به یک سو نهند. شاید در میان روشنفکران دهه‌های چهل و پنجاه تنها براهنی باشد که نه البته از موضعی امت‌گرایانه مرزبندی مشخصی را با ملی‌گرایی حفظ می‌کند. یادآوری این نکات از آن جهت ضروری است که فضای فکری‌ای را که صفارزاده متأثر از آن است به نحوی اجمالی توضیح و توصیف می‌کند.

به لحاظ اهمیت ادبی شاید بتوان طنین در *دلتا* را مهم‌ترین کتاب او دانست؛ با ایده‌های کاملاً نو، قالب‌شکنا، همراه با واسازی فرم

کتاب و... رویه‌هایی که در ادامه‌ی کارنامه‌ی شعری او کمرنگ می‌شود؛ هرچند می‌توان رنگ‌وبوی انترناسیونالیسم اسلامی و امت‌گرایی صفارزاده را در طنین در *دلتا* نیز مشاهده کرد اما سوژه‌ی شعر او در طنین در *دلتا* که خود آن را بنیان‌گذار شعر «طنین» نامیده‌است بی‌حس‌تر و بنیادین‌تر با اجتماع مواجه می‌شود. از این حیث، شعر صفارزاده دقیقاً در مقابل شعر فروغ قرار می‌گیرد که هرچه بیش‌تر فردیت و جوه‌گزیستانس را باز می‌یابد. در شعر صفارزاده کم‌تر می‌توان نشانه‌ای از تجربه‌ی شخصی را از حیث کوشش برای بیان امر بیان‌ناپذیر یا نزدیک‌شونده به سرحدات بیان‌ناپذیری تجربه‌ی آگزیستانس بازشناخت؛ شعر او همواره زبان‌گویای یک جمعیت و بیان‌کننده‌ی تجربه‌ی غیرشخصی است، و در عین حال بازتاب موقعیتی جهان‌سومی که در آن سایه‌ای از استعمار را می‌توان تا پایان مشاهده کرد. طنین در *دلتا* ادامه‌ی تجربه‌ی است که او در نخستین مجموعه‌شعرش *رهگذر مهتاب*، با شعر «کودک قرن» آغاز کرده‌است: «شعر "کودک قرن" از همین کتاب [=رهگذر مهتاب] که یک شعر اجتماعی است با برداشتی ملودراماتیک آغاز توجه من است به مسائل و تجربیات غیرخصوصی در شعر؛ اما با بیانی مستقیم و بیرون از قالب چهارپاره»^۱ «کودک قرن» شعری نیما‌یسی و کودکی این قرن (قرن بیستم) را کودکی مادرگم‌کرده توصیف می‌کند و از طریق سه تصویر آن را بیان می‌کند: نخست مادری که پشت میز قمار نشسته‌است (خال‌های بخت من در دست‌های توست/ آری آن دستی که محکم می‌فشارد برگ بازی را/ زود برخیز از میان شعله‌های خلدعه و نیرنگ/ سخت می‌ترسم که دست تو، و بخت من بسوزد بر سر این آتش خون‌رنگ...)، مادری که در آغوش بیگانه‌ای خفته است (مادرت اینجاست/ در سرای رنگی شب‌زنده‌داران/ در هوای گرم و عطرآمیز یک زندان/ قامت آن مادر زیبا به گرد قامت بیگانه‌ای پیچان و دستش گردن‌آویز است...)، و مادری که با پدر دربار‌هی خیانت جزو بحث می‌کند (در اتاق او جدالی با پدر برپاست/ گفت‌وگویی تلخ و ناهنجار، دعویایی پر از تکرار...). طاهره صفارزاده از جمله شاعرانی است که به جهت آشنایی با ادبیات انگلیسی و مواجهه‌ی هم‌زمان با ادبیات روز جهان با دقت فراوانی کار شعری‌اش را توضیح داده‌است؛ از نحوه‌ی

۱- صفارزاده، طاهره، حرکت و دیروز، تهران: رواق، چاپ اول، ۲۵۳۶، گفت‌وگو با محمد حقوقی، ص ۱۲۹.

کاربرد و جایگاه زبان در شعرش تا دیدگاهی که نسبت به شاعران مطرح هم‌روزگارش داشته است. پرداختن به دیدگاه‌های او و بازتاب آن در شعرش و نیز مازادی که در شعر او نسبت به مبانی تئوریکش تولید می‌شود به مجالش بیش از این نیاز است اما این را می‌باید دست‌کم گفت که او مسیری را از یک آغاز کوتاه در نوشتن شعر شخصی به سمت شعری مبتنی بر سوژه‌ای جمعی ترتیب می‌دهد و این فرآیند شتابی فزاینده به سوی تشکل امت‌گرایی مبتنی بر سوژکتیویته‌ی جمعی در شعر او دارد. (صرف‌نظر از اینکه او تقریباً بخش مهم و قابل‌توجهی از دهه‌های منتهی به پایان عمرش را در توقف و کم‌نویسی گذراند.) در این مسیر، شعرهایی چون «شهر خواب» (صورت کمینه‌گرای آمیختگی فرم و محتوا که از طریق ریتم مارش جمله‌ی خبری «شهر در خواب است» را صرفاً تکرار می‌کند)، «شیرها که با توپ نقره بازی می‌کنند» (با فضایی مجازمحور که تندیس شیرها و توپ‌های کهنه را علائمی بر تهدیدی نامعلوم می‌گیرد و از طریق بازتولید این ابهام در شعر فضاسازی می‌کند)، «مه در لندن» (خلق فضایی سفرنامه‌ای و توصیفی که در عین حال جهان‌وطنی امت‌محورانه را از طریق گفتن «مه در لندن بومی است/ غربت در من...» بیان می‌کند)، «سفر اول» (در قالب سفرنامه‌ای توصیفی از هند و گویی بر اساس تمایل به تعمیم سوژکتیویته‌ی جمعی اسلامی به کل شرق مستعمراتی که چنانچه سپهری را در «مسافر» بیانگر نوعی جزئیت انتزاعی بدانیم در تقابل با نگرش سپهری باید گفت او اینجا نماینده‌ی نوعی کلیت انضمامی است). اما رویکرد صفارزاده به امت‌گرایی شرق‌گرایی اسلامی در مجموعه‌ی *سفر پنجم* تکمیل می‌شود. *سفر پنجم* با سه شعر بلند آغاز می‌شود که در واقع بخش اعظم این مجموعه را در بر می‌گیرد: «سفر سلمان»، «سفر هزاره» و «سفر عاشقانه». این سه شعر بلند گویای تمامی آن حرکتی است که صفارزاده تا پایان عمر شاعری‌اش کم‌وبیش حفظ کرد. در این میان، «سفر عاشقانه» که «با یاد علی شریعتی، رهیار بیدار» آغاز می‌شود خاستگاه و منشأ تأثرات صفارزاده را نیز روشن می‌کند. این روندی است که صفارزاده تا پایان ادامه داد و به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی او را در زمره‌ی شاعران انقلاب قرار داد. شاید یکی از دلایل آنکه جامعه‌ی نقد ادبی، پس از انقلاب اقبال‌چندانی به وی نشان نداد تصمیم تعیین‌کننده‌ی بود که او در پیوستن کامل به وضعیت موجود گرفت. این علاوه است بر اینکه صفارزاده پس از انقلاب در دانشگاه و در «ستاد انقلاب فرهنگی» حضوری پررنگ‌تر داشت تا در جامعه‌ی ادبی. ■